

به مناسبت سالروز تولد هدایت

صداقت صادق

محسن آزموده

«هدایت همان چیزی را که در مقیاس تاریخ ایران، آن هم برای مدتی مدید، میبایست تحقق یابد روی خودش و در خودش تحقق داد. نومیدي ریشه بارزترین نشان الزامها و روشنبینی بی‌کمران وی بود: جرات این را داشت که امکانات آینده را با چسبیدن به دلخوشکنکهای حقیر سبک نکند و به هدر ندهد.» (یوسف اسحاق‌پور، بر مزار صادق هدایت، ترجمه: باقر پرهام، تهران: 1380، ص 48)

28 بهمن‌ماه، سالروز تولد صادق هدایت

(1281-1330) است، مشهورترین نویسنده معاصر ایرانی در سطح ایران و جهان که در یکصد سال گذشته، به‌رغم محدودیت‌ها، بیش از بقیه نویسندگان داستان‌های ایرانی، آثارش هم مورد توجه عموم خوانندگان و علاقه‌مندان به قصه و داستان قرار گرفته و هم پژوهشگران و تحلیلگران از حوزه‌های مختلف درباره آنها قلمفرسایی کرده‌اند. قطعا یکی از علل این اقبال گسترده به آثار هدایت، هنر نویسندگی، دید وسیع و عمیق و جذابیت آثاری است که خلق کرده، نگاهی طناز، هوشمند و دغدغه‌مند. هدایت متفکری چندبعدی است، روانشناسی تیزبین و ژرف‌نگر، محققی آشنا با ادبیات و هنر معاصر و تا حدودی فلسفه جدید، پژوهشگری پیشگام در زمینه فرهنگ و آداب عامیانه و مترجمی آگاه به زبان‌های اروپایی و باستانی ایرانی.

قطعا گردهم آمدن این خصال در نویسنده‌ای جست‌وجوگر که تا پایان عمر نسبتا کوتاه‌اش، علاقه فراوان به یادگیری و خواندن و دیدن داشت، در ارتقای نوشته‌های او تاثیر فراوان داشت. در روزگار معاصر کمتر نویسنده‌ای مثل هدایت چنین چندبعدی و عمیق بوده و هست. اما به نظر نگارنده، آنچه آثار صادق هدایت را این‌چنین بر صدر نشانده و به‌رغم گذشت یکصد سال، همچنان پرمخاطب ساخته، سه ویژگی تحسین‌برانگیز دیگر اوست.

نخست باید از جسارت و شجاعت هدایت سخن به میان آورد. بی‌تردید او اگر نگوییم شجاع‌ترین، یکی از جسورترین نویسندگان و روشنفکران معاصر ایرانی است که تیغ تیز قلمش با هیچ فرد و گروه و قشری تعارف نداشت و همه را -حتی و شاید بتوان گفت بیش از همه خودش را-

مورد انتقادهای تند و بی‌پروا قرار می‌داد. هدایت در این زمینه، تفاوتی میان دولت و ملت و کوچک و بزرگ قائل نمی‌شد و همه را به يك نحو می‌نواخت. او همچنین در بیان این انتقادات صریح و بدون لکن است و نظرات خود درباره جامعه و فرهنگ و سیاست را روشن و روان و بدون ابهام بیان می‌کند؛ طوری که عموم مخاطبان از اقشار و گروه‌های مختلف آنها را می‌خوانند و منظور او را درمی‌یابند.

اما در کنار این دو فضیلت و مهم‌تر از آنها صداقت و روراستی صادق هدایت است، خصلت نیکو و در عین حال هولناکی که در همه آثار او اعم از داستان‌ها، آثار پژوهشی و تحقیقی و نامه‌ها و یادداشت‌های شخصی‌اش بارز است و با زیست شرافتمندانه‌اش هماهنگ. انسجام و تعادل شخصیتی و انطباق ظاهر و باطن یکی از مهم‌ترین عواملی است که باعث می‌شود مخاطبان آثار هدایت با او احساس راحتی و صمیمیت کنند و از خواندن نوشته‌هایش لذت ببرند. متن‌های هدایت، مثل آینه‌ای صاف و شفاف، خود خواننده را به او نشان می‌دهد و نقاط قوت و ضعفش را بر او عیان می‌سازد، همچنان که زندگی بی‌پیرایه و نجیب او، الگوی آرمانی زندگی يك انسان اخلاقی است. به تعبیر زیبا و روان داریوش آشوری در واپسین سطرهای مقاله بحث‌برانگیزش درباره احمد فردید با عنوان «اسطوره فلسفه در میان ما»: «بزرگ‌ترین صفت هدایت راستگویی و روشن‌بینی او بود که بدبینی او نامیده شده است. هدایت وضع تباهی‌زدگی تاریخی و فرهنگی ما را ژرف‌تر و دردناک‌تر از هر کس دیگری درک کرده و با قدرت و هنرمندی درنوشته‌های خود بازتابانده است. عظمت او در این است که هیچ‌گاه حساب شخص خود را از این درماندگی و تباهی‌زدگی جدا نکرد، بلکه دردمندان آن را به صورت تجربه بی‌میانجی زندگی کرد و همین در ادبیات مدرن ما این جایگاه بلند بی‌همتا را به او بخشیده است.»

منبع: روزنامه اعتماد 30 بهمن 1400 خورشیدی